



که در مشهد با قلم نوری نقاشی دیجیتال می‌کشیدید، کار با قلم نوری چقدر توانست از محدودیت‌های کار فیزیکی کم کند و در سرعت‌بخشی‌تان شما اثرگذار باشد؟

حدود سال ۷۷ بود که در یک نشریه گرافیکی غیر ایرانی، خبری دیدم که چنین قلمی در آمریکا تولید شده است. به دوستی در خارج از ایران سفارش خریدش را دادم. آن زمان قیمتش با پول خرید یک ماشین برابری می کرد. در هر کاری ابزار شما تعین کننده کیفیت و سرعت شماست. برای من که به صورت دستی و با رنگ و قلم کار می کردم، ناگهان قلمی به دستم رسید که شبیه‌سازی می کرد و فاصله بزرگ بین فضای دیجیتال و دستی را پر می کرد. چیزی شبیه به قلم جادویی بود.

● **کمی هم در باره شرایط زیست و محله‌ای که در آن متولد و بزرگ شده‌اید، بگویید. درباره خانواده‌تان و اینکه تمام این موارد چه تأثیری روی تصویرسازی‌های شما گذاشته است؟**

من بچه محله خیابان امام رضا(ع) هستم. راستش محله‌مان خیلی با محله‌های دیگر متفاوت نبود. آن زمان حرم بود و تا شعاع چند کیلومتری اطرافش، شهر کشیده شده بود و خیلی از آن دوره چیزی یاد نمی‌نست.

ببینید من قدیم را شبیه‌سازی نمی‌کنم بلکه خاطراتم را به تصویر می‌کشم. شاید برایتان عجیب باشد ولی من دورانی را که در گهواره بودم یاد ام است. خوب این‌ها خاطره نیست و بیشتر حس است. اما بیشتر تصاویری که می‌بینید که خاطره‌دارد و مصور است، در خانه خودمان است و خانه برخی از اقوامان ولی من گاهی ممکن است به اقتضای تصویر و برای ترکیب‌بندی بهتر، کمد خانه پدربزرگم را با تلویزیون خانه خودمان در یک اتاق کشیده باشم. شانس خوبم هم این بود که پدربزرگم خانه زیاد عوض می‌کرد و معماری‌های زیادی را

● **معرفی نویسنده**

در بخش دیگری از این نشست، سلمان ساکت به معرفی چهره علمی علی میرافضلی، نویسنده کتاب، پرداخت و گرایش این پژوهشگر خیام شناس را، بر اساس پیشینه علمی او و آثاری که انتشار آن‌ها را از سال ۱۳۷۲ آغاز کرده، توضیح داد. ساکت، با تمجید از تداوم میرافضلی در پرداختن به خیام، مطالعه مقالات و کتاب‌دیگری از این نویسنده را به مخاطبان پیشنهاد کرد.

● **چالش‌های خیام**

یکی از نکاتی که انتظار می‌رفت در این جلسه مورد بررسی قرار گیرد، پرداختن به شخصیت چالش برانگیز حکیم عمر خیام و قضاوت‌های گوناگونی بود که از این چهره تاریخی ارائه شده است.

سخنرانان این نشست سعی کردند در حد امکان، دو نگاه متضادی را تشریح کنند

که یکی از آن‌ها اشعار خیام را عارفانه و الهی قلمداد می‌کند، در حالی که دیدگاه

مقابل، تفسیری متفاوت از آن‌ها به دست می‌دهد. در این بخش از نشست،

نمونه‌هایی دقیق از ابیات و مصرع‌های

دیدهام. من با پدربزرگم خیلی مانوس بودم و اگر در نقاشی‌ها دقت کنید نقش مؤثر ایشان در آثارم پیداست. پدر من یک بازاری پرمشغله بود و من مسئولیت پذیری و دقت و ذهن اقتصادی‌ام را مدیون ایشان هستم و هنرم را مدیون مادرم. البته مادر خانواده هنرمند نداشتیم و من اولین بودم. خانواده با نقاشی کشیدن من مخالف بودند و آن را کاری عبث و بیپهوه می‌دانستند.

● **در چنین شرایطی که خانواده‌تان با رفتن شما به سمت هنر و نقاشی مخالف بودند، چگونه رهاتان را ادامه دادید؟**

من مثل آتش فشانی بودم که نمی‌شد خاموشم کرد؛ نقاشی جزو ذات من است. ولی کسی مرا تشویق نمی‌کرد و منع می‌شد. با اینکه نقاشی‌های من در محل تحصیل به چشم می‌آمد اما پدرم به این نظرها اهمیتی نمی‌داد و می‌گفت باید بنشیند و درسش را بخواند. درهرصورت در تعریف خانواده ایرانی از فرزند شایسته که فقط باید درس بخواند، قرار نمی‌گرفتم و به همین دلیل همیشه احساس می‌کردم بچه خوبی نیستم و نقاشی هم به یک تابو در ذهنم تبدیل شد.

احساس گناه داشتم و زیرزمینی کار می‌کردم. نقاشی‌هایم را از بین می‌بردم یا دوستانم آن‌ها را از من می‌گرفتند. این موضوع تارسیدن به دهه سوم زندگی من ادامه یافت و به‌تدریج به خودم آمدم و مسئله را با خودم حل کردم. دیدم قرار نیست مثل مادر یا برادر یا پدرم باشم. اینکه هنر، داشته من است و می‌توانم آن را ابراز کنم و جایگاه هم داشته باشم.

● **با وجود سرزنش‌هایی که در ذهن‌تان درباره هنر و نقاشی شکل گرفته بود، تصویرگر خاطراتی شیرین از گذشته شدید و می‌توان گفت هیچ تصویری تلخی در آثارتان دیده نمی‌شو.**

خوب اگر قرار بود تلخی‌ها را هم به تصویر بکشم حجم کتابم سه برابر الان می‌شد. اما قرار نیست حال مردم را بد کنم و هدف من چیز دیگری است.

● **آیا در همه این سال‌ها، فعالیت هنری برای شما کاری با درآمد دلخواه و راضی‌کننده بوده است؟ فعالیت در اینستاگرام چطور؟**

درآمد من همیشه از هنر بوده است. از سال ۷۲ شروع کردم. شاید تا روزی ۱۷ تا ۱۸ ساعت هم فعالیت هنری داشته‌ام. اما الان به جایی رسیده‌ام که می‌گویم هنر برای پول، خیلی کوچک و کم است و دوست دارم در جامعه اثر بخش و مفید باشم. فعالیت در اینستاگرام را هم به‌نوعی مربوط به دوران بازنستگی خودم می‌دانم و سفارش‌هایم در این فضا کم و گزینشی است.

● **ادامه راه خود را چگونه می‌بینید؟**

یک نفر برای من کامنت گذاشته بود که بیرون از خانه درگیری داشته و با دیدن تصویری از صفحه من حالش خوب شده است. خوب دیدن یک کامنت امیدبخش کافی است تا یک سال دیگر در فضای اینستاگرام به کارم ادامه بدهم. راستش آرزویم شده که صفحه‌ام را در اینستاگرام ببندم و هفته‌ای نیست که به آن فکر نکنم. چون اینستاگرام آسیب‌های جدی به من زده است و دوست دارم در این فضا نباشم. ولی نمی‌توانم این کار را بکنم. چون اگر در بزرگ‌ترین نگارخانه کشور هم آثارم را نمایش دهم باز هم مانند فضای اینستاگرام نمی‌تواند مخاطب داشته باشد و کار دیده شود. من توانایی و قدرت شبکه‌های مجازی را دیده‌ام و باید بازخورد مردم را هم ببینم چون به کار دهنم می‌دهد. این است که قربانی اینستاگرام هستم اما برنامه‌هایی برای افزایش مخاطبانم و توجه به نسل جدید دارم.



خیام، در رد تفسیر الحادی و نادرست

بودن مصادره شخصیت این حکیم به نفع گروه‌های خاص، ذکر شد.

● **تشریح ساختار کتاب**

یکی دیگر از محورهای نشست پردیس کتاب، به تشریح ساختار کتاب «رباعیات خیام و خیامانه‌های پارسی» اختصاص داشت. بر این اساس، کتاب مورد بحث از سه دفتر تشکیل شده.دفتر اول پیشگفتار است که اهم آرا و اندیشه های مؤلف را شامل می‌شود و همین دیدگاه‌ها در دو دفتر بعدی بسط می‌یابند. دفتر نخست از بخش‌هایی تشکیل شده که زندگی و آثار خیام، نظرات ستایشگران و نکوهندگان او، ارزیابی اعتبار منابع، معیارهای تشخیص رباعیات اصیل از رباعیات سرگردان، معرفی و نقد ۱۲۰ سال کوشش در راه خیام پژوهی و... از مهم ترین محورهای آن هستند. دفتر دوم این کتاب، به نگاه شاعران ایرانی به مکتب خیام، در فاصله قرن‌های پنجم تا هفتم هجری، اختصاص دارد و دفتر سوم که حاصل نوآوری مؤلف به شمار می‌رود، فرهنگ خاص و کلید شناسایی رباعیات

درباره جلال مقدم سینماگر مهجور خراسانی که ۲۵سال از نبودنش می‌گذرد

گریزان از انگ روشنفکری



قاسم فتحی

کتاب نما

جلال مقدم همچون برخی از نابغه‌های سینمای ایران قدر ندید و قدر نادیده هم از دنیا رفت. کسی که در زمانه‌ای او را روشنفکر می‌نامیدند و پیشرو ولی در همان اواخر عمر گفته بود: «این انگ روشنفکری را

هم الکی به ما چسبانده‌ند». ولی واقعیتش این بود که او نه به‌عنوان یک روشنفکر بی‌خاصیت و حرّاف که به عنوان کسی که در آن سال‌های دهه سی و چهل در سینمای ایران فکر روشن داشت و توانست در میانه سینمای مردمی و نخبگانی حرکت کند شاخص بود و نتیجه خوبی هم گرفت، او متولد نیشابور بود و کارش را با نوشتن نقد در مطبوعات آغاز کرد.

«جنوب شهر» اولین فیلم‌نامه بلند او بود و به تعبیری اولین فیلم رئالیستی سینمای ایران. اما فیلم با دستور وزیر کشور پیش از انقلاب اسلامی ایران و به جرم سیاه‌نمایی از پرده پایین کشیده شد و زیاد دوام نیاورد. بعد از آن برای فرخ قفاری «شب قوزی» را نوشت که نمونه اولین فیلم‌های سینمای ایران بود و در محافل خارج از کشور به موفقیت‌هایی دست پیدا کرد. جواد طوسی منتقد مشهور سینما درباره همکاری این دو نفر با هم در یادداشتی نوشته بود: «تداوم این همکاری به دلیل دوستی و آشنایی‌ای که جلال مقدم با فرخ غفاری داشت در فیلم «شب قوزی» در سال ۱۳۴۳ صورت می‌گیرد.» که اینجا براساس قصه‌های «هزار و یک شب» می‌توان گفت فرد اصلی در نگارش فیلم‌نامه و

جلال مقدم همچون برخی از نابغه‌های سینمای ایران قدر ندید و قدر نادیده هم از دنیا رفت. کسی که در زمانه‌ای او را روشنفکری می‌نامیدند و پیشرو ولی در همان اواخر عمر گفته بود: این انگ روشنفکری را هم الکی به ما چسبانده‌ند

دیالوگ نویسی خود جلال مقدم بوده، در اینجا نکته‌ای که لازم می‌دانم به آن اشاره و تأکید کنم مسئله ترس است، از زاویه دید یک روشنفکر (منت‌ها به شکل متوقعانه از خیلی بالا) که از ناگاهی روان‌شناسانه به آن می‌پردازد، ترسی که بعداً به شکلی متفاوت در «خشت و آیینه» ابراهیم گلستان هم در سال ۱۳۳۴ می‌بینیم. شاید به هر حال این‌ها زاییده شرایط باشد. واکنش یک روشنفکری که هم می‌خواهد حدیث نفس خودش را داشته باشد و هم اولین گام‌ها را بر دارد برای راهیابی به یک سینمایی که از یک مناسبات و اصول خیلی برنامه‌ریزی شده و در عین حال فرهنگی و حرفه‌ای برخوردار نیست. بخشی از آن می‌خواهد از یک جذابیت و مخاطب‌شناسی معقولانه برخوردار باشد و بخشی دیگر همان طور که اشاره کردم نسبتی با فردیت خود نویسنده و هنرمند داشته باشد. اما مهم‌تر از همه مستند سینمایی و در خشان «خانه خدا» است که پر مخاطب بود و البته در طول تاریخ سینما حرف و حدیث‌های زیادی درباره سازندگانش به وجود آورد. فیلم «فرار از تله» را از بهترین فیلم‌های سینمای ایران و از یادگارهای بالارزش جلال مقدم برای سینماگران نسل بعد می‌توان قلمداد کرد، فیلمی که مقدم آن را در سال ۱۳۵۰ و در ذوقول جلوی دوربین برد. این فیلم را می‌توان در فهرست سینمای موج نو نیز قرار داد؛ فیلمی که هم از سینمای وسترن آمریکایی الهام گرفته و هم از سینمای

روشنفکری ژاپن، اما حال و هوایی ایرانی دارد و با مخاطب سینمای ایران ارتباط برقرار می‌کند. بهروز وثوقی و داود رشیدی دو بازیگر اصلی و دو قهرمان این داستان هستند.

محور اصلی فیلم دلدادگی است و تلاش قهرمان داستان برای رسیدن به عشق زندگی‌اش، اما بازهم خلاف تنها راه پیش روی قهرمان است و به دنبال آن تعقیب و گریز با خلافکاران و درعین حال فکر رسیدن به دختری که منتظرش مانده است. به گفته منتقدان فیلم‌نامه بی‌نقص مقدم به همراه شخصیت پردازی استاندارد، «فرار از تله» و با وجود المان‌های عاشقانه از فیلم‌های فارسی قبل از انقلاب متمایزی می‌کند و فیلمی بی‌نظیر و در حد دیدن به مخاطب ارائه می‌کند که می‌تواند نماینده سینمای فعلی ایران باشد. گام بعدی مقدم، اقتباس از داستان معروف ثودور درایز نویسنده چپ آمریکایی و ساخت فیلم «پنجره» بود. البته منتقدان آن دوره، فیلم مقدم را بیشتر شبیه فیلم «یک تراژدی آمریکایی» ساخته جرج استینوس ارزیابی کردند تا کتاب درایز. نکته‌ای که کمتر به آن توجه شد ساخت و پرداخت حرفه‌ای «پنجره» و میزان تسلط مقدم به عنوان کارگردان بر میزانسن بود. «پنجره» هم در مسیر سینمای میانه قرار گرفت و البته مثل «سه دیوانه» کمتر از انتظار فروخت. مقدم بعد از این فیلم، به جنوب رفت و «فرار از تله» را کارگردانی کرد که بهترین فیلم او و از بهترین‌های تاریخ سینمای ایران محسوب می‌شود. در واقع اوج مهارت حرفه‌ای و تلفی درست مقدم از مفهوم کارگردانی را می‌توان در «فرار از تله» مشاهده کرد.

مرحوم داود رشیدی در مصاحبه‌ای گفته بود: سال ۱۳۴۱ به ایران آمدم و مشغول در اداره تئاتر و عشق به تئاتر و در گرمی محیط تئاتری آن موقع به سختی می‌شد به فکر سینما افتاد، اما بالاخره باید این اتفاق می‌افتاد. با جلال مقدم خیلی دوست بودم و از نظر فکری و فرهنگی نزدیک. شاید او در آن زمان تنها کسی بود که می‌توانست من را به طرف سینما بکشاند. زبان یکدیگر را می‌فهمیدیم. خوش اخلاق، ساده، بی‌ریا و بااستعداد بود که به اندازه کافی قدرش شناخته نشد. او با سناریوی زیبای «فرار از تله» سراغ من آمد و در تمام زمان فیلم‌برداری مهربانی و راهنمایی‌های مؤثرش را فراموش نکردم. اولین فیلم من «فرار از تله» برایم سرشار از خاطرات خوب است. این فیلم نقطه عطفی در زندگی‌ام بود.

محمدعلی کشاورز هم درباره او گفته بود: «جلال مقدم انسانی باسواد و باشعور بود که راجع به مقوله هنر و به خصوص تئاتر اطلاعات وسیعی داشت. متأسفانه خیلی زود از میان ما رفت.» جلال مقدم که از آلزایمر رنج می‌برد در اسفند سال ۱۳۷۴ بر اثر سانحه رانندگی در خیابان کریم خان زند تهران، به بیمارستان منتقل شد و پس از ۶۰ روز کما، در تاریخ ۲۹ فروردین ۱۳۷۵ درگذشت. بهزاد عشقی در یادداشتی او را «سرباز گمنام سینمای متفاوت» نامید و اصغر نعیمی هم در همان روزها درباره‌اش نوشت: «جلال مقدم سال‌ها پیش مرد. وقتی که اجازه نیافت فیلم‌های خودش را بسازد».

مجیدی در تدارک نمایش آنلاین «خورشید»



فیلم «خورشید» به کارگردانی مجید مجیدی با توجه به وضعیت مبهم فعالیت سینماها در چهارمین موج شیوع کرونا، اکران آنلاین خواهد شد.

به گزارش ایسنا، «خورشید» محصول سال ۱۳۹۸ و بهترین فیلم جشنواره فجر به کارگردانی مجید مجیدی و تهیه‌کنندگی مشترک او با امیر بنان است که در هفتادوهفتمین دوره جشنواره ونیز هم در بخش اصلی مسابقه حضور داشت و موفق به کسب جایزه شد. این فیلم که فیلم‌نامه‌اش را مجیدی و نیما جاویدی نوشته‌اند، قرار است به‌زودی آنلاین اکران شود.

«خورشید» یکی از پنج فیلم اکران نوروزی است که از اواخر اسفند سال ۱۳۹۹ روی پرده سینماها رفت ولی همانند دیگر فیلم‌های در حال اکران موفقیت مورد انتظار را در جذب مخاطب و فروش خوب نداشت، هر چند در مجموع و در مقایسه با همان چند فیلم وضعیت بهتری دارد. با این حال سازندگان این فیلم بر ادامه اکران فیلم در سینماها تأکید داشتند و پیش از این محمدرضا صابری – پخش‌کننده فیلم – گفته بود که فعلاً برنامه‌ای برای اکران آنلاین این فیلم وجود ندارد. اما ظاهراً اوضاع وخیم شیوع کرونا در کشور، سازندگان این فیلم را به اکران آنلاین مجاب کرده است به طوری که در برخی پلتفرم‌ها، تبلیغ اکران آنلاین فیلم «خورشید» با عنوان «به‌زودی» و با رده‌بندی سنی بالای ۱۷ سال منتشر شده است.

«خورشید» فیلمی در ژانر خانوادگی – درام معرفی شده که نماینده سینمای ایران در اسکار ۲۰۲۰ بوده و روایتی از زندگی چند نوجوان است که در تلاش برای کمک به خانواده و تأمین نیازهای زندگی هستند. علی نصیریان، جواد عزتی، طناز طباطبایی، روح... زمانی، شمیلا شیرزاد و ابوالفضل شیرزاد از جمله بازیگران این فیلم هستند.

توقف فیلم‌برداری فیلم رضامیرکریمی



فیلم‌برداری فیلم جدید سید رضا میرکریمی با عنوان «نگهبان شب» به دلیل گسترش بیماری کرونا موقت متوقف شده است.

به گزارش مشاور رسانه‌ای این فیلم، فیلم‌برداری «نگهبان شب» به نویسندگی مشترک رضا میرکریمی و محمد داوودی و کارگردانی و تهیه‌کنندگی رضا میرکریمی در زمستان سال گذشته آغاز شد و بر اساس برنامه‌ریزی‌های انجام شده بیش از دو هفته دیگر از فیلم‌برداری باقی مانده‌است. اما به دلیل گسترش شدید بیماری کرونا و بنا بر دستور ابلاغ شده سازمان سینمایی و سمعی بصری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، فیلم‌برداری این اثر سینمایی موقت متوقف شده که بعد از فروکش کردن نسبی بیماری و با صدور مجوز سازمان سینمایی ادامه خواهد یافت. نقش آفرینی محسن کیایی در این فیلم نیز به‌تازگی پایان یافته و حضور دیگر بازیگران در مقابل دوربین همچنان ادامه دارد.

میرکریمی که تعدادی از بازیگران فیلم جدیدش را در پی انتشار فراخوان انتخاب کرده است، با این اثر نیز مانند ساخته‌های قبلی خود چند چهره تازه به سینمای ایران معرفی خواهد کرد. محسن کیایی، توج الوند، لاله مرزان، علی‌اکبر اصائلو، صفورا خوش‌طینت و فهیمه هرمزی جمع بازیگران «نگهبان شب» را تشکیل می‌دهند.

آخرین خبرها از فیلمی با بازی انصاریان



صداگذاری فیلم «کولبرف» به نویسندگی و کارگردانی میلاد منصوری و با بازی مرحوم علی انصاریان به پایان رسید. به گزارش روابط عمومی فیلم، «کولبرف» اولین فیلم بلند میلاد منصوری است که پیش از این سابقه ساخت پنج فیلم کوتاه به نام‌های «میم»، «شکلات»، «گازیت»، «مستر کلینتر» و «سربست» و همچنین دستکاری کارگردان در سربال‌هایی مانند علی‌الدش و پایتخت پنج را در کارنامه خود دارد. منصوری برای فیلم کوتاه «سربست» عقاب طلایی جشنواره سینما تئوگراف آسیا را دریافت کرده است.

«کولبرف» با گذراندن مراحل فنی برای ارسال به جشنواره‌های مختلف آماده می‌شود.

روزنامه
شهرامید
وزندگی

اشبه
۲۳ فروردین ۱۳۹۹
۲۳ فروردین ۱۳۹۹

۱۵

↓

فرهنگ و هنر